

حج و ظرفیت‌های درونی جهان اسلام در بیداری اسلامی با تمرکز بر اندیشه امام خمینی

* محسن محمدی

** غلامرضا بهروز لک

چکیده

امام خمینی با نگرش‌های سیاسی و اجتماعی به حج، مسلمانان را متوجه ظرفیت آن در بیداری اسلامی کرد. ایشان در پیام‌های خود به مناسبت حج، روح بیداری اسلامی را مبارزه با استعمار و استکبار مطرح و مسلمانان را به کارکردهای سیاسی و اجتماعی مغفول حج در عزت‌بخشی و نهضت اسلامی متوجه نمودند. از نظر امام خمینی، حج، فضایی برای آگاهی و روشنگری نسبت به اسلام و مسائل جهان اسلام است و برائت از مشرکین در راستای هویت‌بخشی و انسجام‌بخشی جهان اسلام در مقابل کفر و استعمار به عنوان دشمن مشترک مسلمانان است.

واژگان کلیدی

حج، بیداری اسلامی، امام خمینی، استعمار، اسلام سیاسی، احیای دینی.

mohsen2941@yahoo.com

*. دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی.

** استادیار دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۶

مقدمه

امروز «بیداری اسلامی»، در قالب جنبشی اجتماعی و سازمانی و به عنوان پدیده‌ای متأثر از نهضت فکری انقلاب اسلامی ایران، در حال جریان است. این جریان در عرصه کشمکش‌های سیاسی و امنیتی، علاوه بر اینکه موجودیت و نفوذ خود را به اثبات رسانیده، در حال تبدیل شدن به قدرتی نقش‌آفرین در سطح جهانی است.

بیداری اسلامی در پاسخ به استعمار غرب یا استبداد داخلی در کشورهای اسلامی تبیین می‌شود که مسلمانان را به عزت‌خواهی و هویت‌طلبی وا می‌دارد. از این جهت باید بیداری اسلامی را در مقابل یک رکود، غفلت و خواب فرهنگی و تمدنی در جهان اسلام تلقی کرد. اکنون سخن در این است که اسلام به عنوان جامع‌ترین دین که ابعادی جهانشمول دارد، از چه ابعاد و جهات درونی و ذاتی برخوردار است که سبب پویایی و پایایی و مانع از افول آن می‌شود تا برای رفع آن سخن از بیداری نشود؟

به نظر می‌رسد در این بین، حج به عنوان عبادتی سیاسی اجتماعی از مهم‌ترین ظرفیت‌های درونی جهان اسلام برای بیداری اسلامی است که با گردهم آوری نمایندگانی از سراسر جهان اسلام در قالب انجام مناسکی یکسان در زمان و مکان واحد، هویت دینی و تمدنی مسلمانان را تقویت می‌کند.

امام خمینی با ارائه تفسیر جدیدی از دین، مسلمانان را به ابعاد و ظرفیت‌های دین در عرصه سیاست و اجتماع جلب کرد و با همین نگرش، انقلاب اسلامی را سامان‌دهی کرد و به پیروزی رساند. امام خمینی با همین نگرش، تفسیر و تحلیل جدیدی از حج ارائه کرد که در بستر بیداری اسلامی قابل تحلیل است. ایشان تعریف جدیدی از حج ارائه داد و در فضای بازآفرینی تفکر دینی، حج ابراهیمی عليه السلام را احیا کرد. ایشان با پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به مناسبت حج که روح آنها بیداری اسلامی بود، سعی داشت تصور و تفکر جهان اسلام را در مورد حج تغییر دهد تا آنها با نگرشی جامع به حج بنگرند و آن را در ابعاد فقهی، مناسکی، فردی و اخلاقی منحصر نکنند و همچنین با ارائه تفاسیر سیاسی و اجتماعی از حج، از ظرفیت‌های بی‌نظیر آن در بیداری اسلامی بهره ببرد.

به این ترتیب می‌توان گفت امام خمینی با احیای حج ابراهیمی از ظرفیت‌های آن در راستای بیداری اسلامی استفاده کرد. به عبارت دیگر کارکردهای حج ابراهیمی همان

حج و ظرفیت‌های درونی جهان اسلام در بیداری اسلامی ... □ ۲۰۹

کارکردهایی است که بیداری اسلامی به دنبال تحقق آن است و از این جهت هر دو در یک مسیر قابل تحلیل است.

در این مقاله زمینه‌های حج در پویایی و پایایی جوامع اسلامی و ایجاد شرایط بیداری اسلامی را بر اساس پیام‌های امام خمینی به کنگره عظیم حج بررسی می‌کنیم.

چارچوب و مبانی نظری

این مقاله بر چند مبانی نظری بنا گذاشته شده است که جهت‌گیری مطالب آن را توجیه می‌کند.

۱. احیای امام خمینی در تفکر دینی

برای شناخت اندیشه امام باید به مبانی نظری اندیشه ایشان نیز توجه کرد. احیای دینی امام خمینی، با نگاهی جامع‌گرایانه به دین، سنتی و معطوف به بهره‌گیری از عناصر دینی در نوسازی جهان بود.

امام خمینی در مسیر احیای دینی اصالت‌هایی را که در سیر تحول تاریخی به خرافات و افسون‌های ذهنی و داوری‌های غیرواقعی آلوده شده بودند، بازسازی کرد. به این ترتیب با اتصال حال و آینده به پیشینه تاریخی به بازسازی تاریخی پرداخت و از فقر تاریخی‌گری تفکر مدرن (پوپر، ۱۳۵۰) و ضد پیشرفت بودن جریان‌های بنیادگرای سلفی (زارع، ۱۳۷۹: ۳۲۰) فاصله گرفت از این رو احیای امام خمینی نه به معنای عقب‌ماندگی و عدم بهره‌مندی و بروز تمدن بود و نه با ایمان متدینین در تضاد بود.

امام خمینی با طرح ابعاد واقعی اسلام به مسلمانان فهماند که اسلام علاوه بر ابعاد مناسکی، منبع قوی و پرتحرک در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. (هوبر، ۱۳۷۰: ۷۶)

با اینکه امام خمینی در مواجهه با اندیشه توسعه غربی بسیار محتاط و دقیق بودند و بر وارداتی و غیربومی بودن فضا، زمینه‌ها و نحوه نگرش اندیشه تجدد تأکید داشتند، ولی دستاوردها و تکنولوژی غربی را طرد نمی‌کردند بلکه به ایدئولوژی‌زدایی می‌پرداختند؛ یعنی مبانی مادی‌گرایانه آن را زدوده و از آن به عنوان ابزاری در افق چشم‌انداز تمدن اسلامی استفاده می‌کردند. (نجفی، ۱۳۹۰: ۱۰۵ - ۱۰۲)

از نظر امام خمینی، سیاست از دیانت جدا نیست (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۴ / ۲۰ - ۱۹، ۶ / ۸۶ و ۲۸۷) بلکه «اسلام تمامش سیاست است» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۷۰) و جدایی دین از سیاست از توطئه‌های استعمار است. (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۵ / ۱۸۸، ۶ / ۲۰۲) از نظر امام، بین دیانت و سیاست رابطه تعاملی (تأثیر و تأثر) برقرار است. به عبارت دیگر، بنا به تفسیر فلاسفه سیاسی، اخلاق به سیاست تعین می‌دهد و سیاست به اخلاق تحصیل می‌بخشد. (ر.ک: خراسانی، ۱۳۸۷؛ ا.ج.فرانک، ۱۳۷۹) تفسیر عالمانه و جامع‌نگر امام از سیاست و دیانت به گونه‌ای است که دین و سیاست را در نفس الامر، هم‌نشین می‌بیند. بنابراین، از دیدگاه ایشان مسائل عبادی اسلام در عین عبادی بودن جنبه اجتماعی نیز دارند، یعنی عموم احکام و دستورات اسلامی مانند منشور چندبعدی، ابعاد، مراتب و لایه‌های متعدد و منسجم دارند.

در اندیشه امام خمینی علیه السلام، حج با ظرفیت‌ها و کارکردهای اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود در سطح فردی، ملی و بین‌المللی، جایگاه ویژه‌ای داشت؛ به طوری که می‌توان ایشان را احیاگر حج ابراهیمی نامید.

۲. امام خمینی و نظام بین‌الملل

هرچند امام خمینی در کسوت مرجعیت و بر اساس تفکر نظام سیاسی و عرفانی شیعه در مسیر مبارزه با نظام شاهنشاهی ایران قدم گذاشت ولی هیچ‌گاه نگرش و افق مبارزاتی او اسیر نگرش‌های ملی‌گرایانه و فرقه‌ای نشد، بلکه کل جهان اسلام و احیای تمدن و تفکر اصیل اسلامی را پی‌می‌گرفت. از این رو امام در همان ابتدای نهضتش توجه مسلمانان را به فلسطین جلب کرد؛ ادبیاتی بین‌المللی داشت^۱ و به مسائل فراتر از جهان اسلام نیز توجه داشت.^۲ این رویکرد حضرت امام سبب شد بتواند اسلام را به عنوان یک قدرت بین‌المللی درآورد. (هیكل، ۱۴۰۲ ق: ۱۸۱ و ۱۸۳) یکی از مهم‌ترین علل این توفیق امام در این است که ایشان به عنوان عارفی راستین، فطرت انسان‌ها را مخاطب قرار داده بود، لذا پیامی الهی را به جهانیان صادر کرد. (امیدوار و یکتا، ۱۳۷۹: ۶۵ - ۲۱) بسیاری از شخصیت‌های جهان در

۱. امام خمینی از واژگانی استفاده می‌کرد که برای همه مردم جهان قابل فهم بود و می‌توانستند با آن ارتباط برقرار کنند. (ر.ک: امیدوار و یکتا، ۱۳۷۹: ۱۰۹ - ۱۶۰)

۲. مانند نامه به گورباچف (برجی دیزجی و دیگران، ۱۳۷۷: ۳۴۵ - ۳۳۲؛ امیدوار و یکتا، ۱۳۷۹: ۱۰۸ - ۹۱)

تیبین شخصیت بین‌المللی امام خمینی به این مسئله اشاره کرده‌اند. (مرتضایی، ۱۳۷۸)

انقلاب ایران مبتنی بر برخی اصول سیاسی، فرهنگی و معرفتی محقق شد. بنابراین پیروزی انقلاب، نوعی صف‌بندی جدید را بین ایران و کشورهای جهان ایجاد کرد. امام خمینی همواره با قدرت‌های استعماری مخالف بود و در مقابل نظم جهانی ایستاد. از آنجا که یکی از اصول اسلامی در مواجهه بین‌المللی، تقدم اصول دینی بر اصول بین‌المللی است، لذا امام خمینی بر خلاف عرف بین‌الملل، تسخیر لانه جاسوسی را تأیید کرد و به ارتداد سلمان رشدی فتوا داد.

امام خمینی خواستار استقرار نظم جدیدی ابتدا در داخل کشور و سپس در سطح جهان اسلام بود. این نظم جهانی اسلام، نظامی جهان‌شمول است که احکام الهی را مبنای برنامه‌های اجتماعی و سیاسی قرار می‌دهد و مشروعیت و قانون نظم جهانی حاکم را به چالش می‌کشد. در نتیجه، منافع و سیطره استکبار بین‌المللی را تهدید می‌کند. امام خمینی در موضع‌گیری‌های بین‌المللی خود مانند نامه به گورباچف و حکم ارتداد سلمان رشدی یک ماهیت کلان اسلامی به نام امت اسلامی را مد نظر داشت و هیچ‌گاه به مسائل ملی یا شیعی محدود نمی‌شد.

ظرفیت‌های حج در بیداری اسلامی

امام خمینی رحمته‌الله علیه با احیای حج ابراهیمی، به بهترین شکل از این فریضه عظیم بهره برد. روح حاکم بر پیام‌ها، سخنرانی‌ها و منش سیاسی و اجتماعی امام رحمته‌الله علیه در مورد حج، بیداری اسلامی است. ایشان با بیان این پیام‌ها، سعی بر زنده کردن «هویت» و «تفکر» دینی مسلمانان داشتند و اینکه بتوانند در مقابل استعمار و استکبار، آنها را از حالت ناآگاهی دور کنند.

امام رحمته‌الله علیه، بر بهره‌گیری از حج برای بیداری اسلامی تأکید بسیاری می‌کرد؛ تا جایی که آن را از شرایط اصلی تحقق حج واقعی می‌دانست:

حجی که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد و حجی که اسلام از ما خواسته است، آن است که وقتی می‌روید حج، مسلمین بلاد را بیدار و با هم متحد کنید. (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۸ / ۶۸)

اهمیت مسئله بیداری اسلامی در حج، به اندازه‌ای است که امام خمینی در پیامشان به زائران، برای تحقق آن دعا می‌کند و آنها را به این کار فرا می‌خواند (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱ / ۶۲ و ۱۲۲)

در ادامه، به بررسی ظرفیت‌های حج در بیداری اسلامی از کلام احیاگر حج ابراهیمی می‌پردازیم که توجه به هر یک از آنها مانع از خمودی امت اسلامی می‌شود.

۱. آگاهی‌رسانی و روشنگری

حج، بزرگ‌ترین تجمع مسلمانان سراسر جهان است که هر سال نمایندگان را گرد هم جمع می‌کند. شکل‌گیری این تجمع پر برکت، نیروی بسیاری را در اختیار جهان اسلام قرار می‌دهد تا درباره مسائل گوناگون جهان اسلام، اطلاع‌رسانی و روشنگری بهتری صورت گیرد.

پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام، از ابتدای تشریح حج در اسلام، همواره از حج به عنوان پایگاهی برای انتقال معارف دین و اطلاع‌رسانی به مسلمانان بهره برده‌اند. (احمدی، ۱۳۹۰: ۴۵ - ۳۵)

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حج در بیداری اسلامی، شناساندن اسلام واقعی است؛ اسلامی که با تلاش‌های استعمارگران در ابعاد فردی و مناسکی خلاصه شده و از روحیه سیاسی و اجتماعی فاصله گرفته است.

با گذشت چند قرن و تقویت جنبه‌های سیاسی و اجتماعی دین، بیداری اسلامی به جنبشی نیرومند و فراگیر تبدیل شد. بنابراین، مهم‌ترین عامل بیداری اسلامی، بازگشت مسلمانان به اسلام اصیل و ناب بود؛ اسلامی که در آن، بر عزت اسلامی و مقابله با دشمنان و استعمارگران تأکید بسیاری شده است؛ اسلامی که در آن، مسلمانان از نظر علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، حکومتی مقتدر، متعالی و مستقل دارند؛ اسلامی که در آن، سیاست و دیانت نه تنها از هم جدا نیستند، بلکه لازمه یکدیگرند؛ اسلامی که در آن، معنویت و اخلاق، زیر بنای شکل‌گیری جامعه و شخصیت همه افراد جامعه است. نتیجه طبیعی چنین اسلامی، صلابت و پویایی همیشگی جامعه است که به هیچ وجه، غفلت و خمودی در آن جایی ندارد. بنابراین، آشناکردن مسلمانان با اسلام واقعی، به‌خودی‌خود، بیداری اسلامی را در پی خواهد داشت و حج، بهترین فرصت برای این امر خواهد بود.

امام علیه‌السلام نیز که خود با چنین قرائت جامعی از اسلام ناب، بزرگ‌ترین احیاگر تفکر دینی در قرن حاضر شد و با همین ایده و مبنا انقلاب اسلامی را رهبری کرد و به پیروزی رساند، ضمن اینکه آشنا نبودن مسلمانان با همه ابعاد اسلام را بزرگ‌ترین مشکل جامعه اسلامی

حج و ظرفیت‌های درونی جهان اسلام در بیداری اسلامی ... □ ۲۱۳

می‌داند (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۲ / ۲۷۷)، در پیام‌های خود به کنگره عظیم حج، با تأکید بر این نکته فرمود:

عید سعید و مبارک، در حقیقت آن روزی است که با بیداری مسلمین و تعهد علمای اسلام، تمام مسلمانان جهان از تحت سلطه ستمکاران و جهان‌خواران بیرون آیند و این مقصد بزرگ، زمانی میسر است که ابعاد مختلف احکام اسلام را بتوانند به ملت‌های زیر ستم ارائه دهند و ملت‌ها را با اسلام آشنا کنند ... و چه فرصتی بالاتر و والاتر از کنگره عظیم حج که خداوند متعال برای مسلمانان فراهم آورده است. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۳۳)

در این بین حج از مهم‌ترین احکام دینی است که در عین ابعاد و کارکردهای سیاسی و اجتماعی، در ابعاد مناسکی محدود شده است. (همان: ۱۸۴) بنابراین، حج خود به عنوان یکی از سیاسی‌ترین عبادات اسلامی، باید احیا شود.

امام علیه السلام در پیام خود به مناسبت سالگرد کشتار خونین مردم در مکه، تفکری که حج را در سطح یک عبادت دست‌جمعی و سفری زیارتی - سیاحتی تنزل می‌دهد، به شدت رد می‌کند و در مقابل، کارکردهای سیاسی و اجتماعی حج را مبارزه با دشمنان اسلام و عامل تقویت همبستگی مسلمانان معرفی می‌کند. (همان: ۲۵۰) امام خمینی علیه السلام حتی از مناسک حج نیز تفسیری سیاسی دارد و آن را با مفاهیمی همچون: مبارزه با شیاطین، بت‌ها و طاغوت‌های زمان همراه می‌کند و در مقابل همبستگی بین مسلمانان، گره می‌زند. (همان: ۱۵۴ - ۱۲۲، ۱۸۴، ۱۸۵ و ۲۵۰)

با این اوصاف، از دید امام علیه السلام: یکی از وظایف بزرگ مسلمانان، پی‌بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند. (همان)

افزون بر این، امام خمینی تأکید دارند در حج باید مسائل جهان اسلام مطرح شود (همان: ۲۶، ۱۳۶ و ۱۳۷) تا هویت بین‌المللی مسلمانان (امت واحده) تقویت شود و بیداری اسلامی علاوه بر ابعاد سیاسی در جهات سازندگی عملی نیز وارد شود.

بخش از پیام‌های امام خمینی علیه السلام در ایام حج، به بیان مسائل مسلمانان جهان (همان: ۱۱، ۲۶، ۵۶، ۷۴، ۱۱۱، ۱۷۰ - ۱۶۷، ۲۵۵) همچون: «فلسطین» (همان: ۱۲، ۲۰۳، ۲۵۷) و «لبنان» (همان: ۸۴ و ۱۱۴) و برخی هم به همه مسلمانان جهان مربوط بود.

از نظر امام خمینی علیه السلام:

نکته مهم این اجتماعات [حج]، این است که ... آن چیزهایی که در بلاد مسلمین در طول سال گذشته است، به اطلاع هم برسانند و برای رفع اشکالات مسلمین فکر کنند و اجتماع بزرگ میلیونی اسلامی در حجاز برای همین نکته است، در عین حالی که عبادت است. (همان: ۵۵)

۲. برافت از مشرکان، نخستین گام در مسیر مبارزه

شناخت دشمن و توطئه‌های او، نخستین قدم برای مقابله با اوست؛ به همین دلیل، این امر از مهم‌ترین جنبه‌های بیداری اسلامی است. یکی از مهم‌ترین مفاهیم در گفتمان بیداری اسلامی امام خمینی علیه السلام نیز، مفهوم «ضدیت» و «غیریت‌سازی» است که بر نقش استعمار و استکبار در دشمنی با جهان اسلام تأکید دارد.

نظریه «میراث استعمار» در کنار نظریه «ادواری» و «جنگ بر سر هژمونی» علل بیداری اسلامی را بررسی می‌کند. (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۶ - ۲۶) استعمار که می‌توان آن را به انواع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تقسیم کرد، تاریخ پر فراز و فرودی دارد که مهم‌ترین مرحله آن از سال ۱۸۷۰ م تا پایان جنگ جهانی اول است. (ولایتی، ۱۳۸۶: ۲ / ۱۰۲۱ - ۱۰۱۱) پس از این تاریخ دوران استعمار نو آغاز می‌شود که دیگر مبتنی بر حضور و دخالت مستقیم نیروهای بیگانه نیست. (اسمیت، ۱۳۸۰: ۱۹۶) با مقاومت مردم در مقابل آن، استعمار فرانو، استقلال فکری - فرهنگی جوامع اسلامی را هدف قرار داد. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۷؛ منصور، ۱۳۸۵؛ عیوضی، ۱۳۹۱) بیداری اسلامی را می‌توان بازتاب روابط استعماری غرب با جهان اسلام دانست که حاکمیت، استقلال و عزت کشورهای اسلامی را تحقیر کرده بود. به عبارت دیگر، استعمار ماهیت مناسبات مسلمانان و غرب را از روابط بین دو بازیگر مساوی به رابطه‌ای بین حاکم و تابع تغییر داد. (هانتز، ۱۳۸۰: ۱۳۷ - ۱۲۱؛ نجفی، ۱۳۹۱: ۷)

امام علیه السلام، دشمنان اسلام را از عوامل مهم عقب‌ماندن مسلمانان می‌داند که با ایجاد اختلاف و تفرقه‌افکنی در بین مسلمانان و دست‌نشانده کردن حاکمان و دولت‌ها، سرمایه‌ها و منافع کشورهای اسلامی را به یغما می‌برند و از زائران خانه خدا می‌خواهد مظالم دشمنان اسلام را برملا کنند. (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۹ / ۲۲۶)

حج و ظرفیت‌های درونی جهان اسلام در بیداری اسلامی ... □ ۲۱۵

از دید امام‌زادگان^(ع)، حج علاوه بر جنبه‌های فقهی و معنوی، دارای جنبه‌های سیاسی نیز هست. از این‌رو، براءت از مشرکان، از نظر امام‌زادگان^(ع) در تحقق حج واقعی و بیداری اسلامی، جایگاه بس ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که می‌فرماید: «مسلم حج بی‌روح و بی‌تحرک و قیام، حج بی‌براءت، حج بی‌وحدت و حجی که از آن هدم کفر و شرک برنیاید، حج نیست». (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۵۱)

هرچند براءت از مشرکان یک اصل همیشگی و جاودانه است که خداوند آن را مقرر کرده تا روش سیاسی اسلام و مسلمانان را در مقابل مخالفان توحید و ناقضان حقوق انسانی و مشروع مسلمانان روشن سازد، (همان: ۲۲۱) ولی از نظر امام‌زادگان^(ع)، براءت از مشرکان در هر عصر و زمانی، جلوه‌ها و شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را می‌طلبد. (همان: ۱۱۹) امام خمینی^(ع)، حج اجتماعی و براءت از مشرکان را به روشی خاص محدود نکرد، بلکه دغدغه اصلی و تأکید عمده ایشان بر محتوای عمیق حج و استفاده از آن با اتکا بر توحید ناب و پرهیز از همه مظاهر شرک و تعلق و توکل به غیر خدا بود. همین امر، توانست منشأ حرکت و برکت‌های بسیاری در جوامع اسلامی شود و هم‌سویی و تلاش آنها برای زنده نگه‌داشتن میراث و تمدن اسلامی را به ارمغان آورد. (حسینی آهق و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۶)

در حال حاضر نیز براءت از مشرکان در حج، با توجه به جایگاه زمانی و مکانی حج پیامدهای ویژه‌ای دارد که بر اهمیت آن می‌افزاید. به فرموده امام خمینی:

راه‌پیمایی‌های مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راه‌پیمایی براءت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و آمریکا ختم می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۵۷ - ۲۵۶)

در تبیین رابطه بیداری اسلامی و براءت از مشرکان، باید بگوییم که مراسم اعلان براءت از مشرکان در حج، آغاز و اعلام مبارزه‌ای است (همان) که حاصل از بیداری اسلامی است به‌طوری که بدون بیداری اسلامی ایجاد چنین فضا و خیزشی در جوامع اسلامی دور از انتظار است. این بیداری، از سرزمین وحی - که مبارزه با طاغوت و بت‌شکنی از آن آغاز شد - شروع می‌شود و نمایندگان مسلمانان، آن را به سراسر جوامع اسلامی گسترش می‌دهند.

دیدگاه امام‌زادگان^(ع) درباره براءت از مشرکان، همان روح بیداری اسلامی است که به فریب و افسون‌گری استعمار و دشمنان اسلام، در به غفلت کشیدن جوامع اسلامی اعتراض می‌کند.

بیداری اسلامی، نوعی اعتراض و انتقاد رفتاری در عرصه ملی و جهان اسلام به نظم جهانی و روابط قدرت در عرصه سیاست بین‌المللی، با هدف احقاق حق و جایگاه اصیل و رفیع تمدن اسلامی است. در این مسیر مبارزه، توجه به هویت مشترک جهان اسلام و مبارزه با ظالمان و استعمارگران، از شرایط لازم و تعیین کننده در این مسیر است.

امام خمینی علیه السلام این نکته را به زیبایی و ظرافت در پیام‌های حج بیان کردند:

امروز فریاد برائت از مشرکان و کافران، فریاد از ستم ستمگران و فریاد امتی است که جانیشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان آمریکا و اذنان آن به لب رسیده است و خانه و وطن و سرمایه‌اش به غارت رفته است ... فریاد برائت ما، فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته‌اند و همه تیرها و کمان‌ها و نیزه‌ها به طرف قرآن و عترت عظیم نشانه رفته‌اند.
(همان: ۲۰۱ - ۲۰۰)

نظریه دشمن مشترک ارتباط بحث برائت از مشرکین و بیداری اسلامی را به خوبی مطرح می‌کند.

نظریه دشمن مشترک و بیداری اسلامی

بیداری اسلامی برای تداوم و تحقق اهداف بلندمدت خود به وحدت و همدلی همه مسلمانان نیاز دارد. در این مسیر باید گرایش قومی و نژادی را کنار گذاشت و اسلام را محور جنبش و نهضت قرار داد. یکی از عواملی که سبب وحدت و تقویت انسجام جبهه داخلی می‌شود، وجود دشمن مشترک است. دشمن مشترک سبب انسجام و یکپارچگی داخلی، هویت بخشی به جمع درونی و انگیزه‌ای برای تلاش و احساس در راه بودن است؛ زیرا بخشی از هویت با ضدیت معنادار می‌شود. بخشی از کیستی ما مرهون آن است که ما چه کسی نیستیم. بنابراین اصل هویت، پیوسته با اصل ضدیت مقارن است. (روشه، ۱۳۸۰: ۱۳) ابن خلدون نیز وجود دشمن مشترک را در کنار رفتار منسجم تشکیلاتی از عوامل پایداری عصبيت و هم‌بستگی خویشاوندی و قبیلگی می‌داند. (ابن خلدون، ۱۳۶۲: ۱ / ۳۳۴)

اسرائیل نیز برای ایجاد هویت در توده نامنسجم یهودی در فلسطین اشغالی از ایده دشمن مشترک برای هویت بخشی و انسجام اجتماعی استفاده می‌کند. به عبارت دیگر هویت جامعه

یهودی - اسرائیلی بر پایه یک اصل مشترک قرار گرفت و آن داشتن «دشمن مشترک» ضدیهوی است. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۳۸ - ۱۳۷؛ افتخاری، ۱۳۷۲: ۶ - ۵)

در دوران معاصر نیز بسیاری از صف‌آرایی‌های بین‌المللی و تمدنی از این رهگذر قابل تبیین است. در زمان جنگ سرد بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و بین‌المللی آمریکا در تقابل با شوروی بود. پس از فروپاشی شوروی، غیبت دشمن مشترک آمریکا را دچار سردرگمی، بی‌هویتی، بی‌معنایی و بی‌هدفی در سیاست خارجی کرد؛ به طوری که آمریکا برای توجیه رفتارها و هزینه‌های نظامی خود تحت فشار بود، ولی اقدامات افرادی مثل صدام و القاعده بهانه بسیار خوبی برای آنها فراهم آورد تا با تقویت پدیده اسلام‌هراسی نزد افکار عمومی، با شعار مبارزه با تروریسم، اسلام را به عنوان دشمن خود در عرصه بین‌الملل معرفی کنند. (اسماعی، ۱۳۷۶: ۴۰ - ۳۳؛ کدی، گازیوروسکی، ۱۳۷۹: ۲۱۶) پیدایش نظریه‌های «پایان تاریخ» فوکویاما و یا «برخورد تمدن‌ها» (هانتینگتون، ۱۳۸۱) از سوی هانتینگتون از همین روست.^۱

به این ترتیب انرژی که آمریکا قبلاً در تقابل با شوروی هزینه می‌کرد متوجه جهان اسلام شد. البته این تهدید در صورتی که مسلمانان را به هویت وعزم مشترک برای مقابله با این دشمن سوق دهد، کارکرد انسجام‌بخشی دارد و می‌تواند به یک فرصت تبدیل شود. ولی متأسفانه به دلیل فعالیت استعمارگرانه دشمنان اسلام، نگرانی امنیتی کشورهای اسلامی بیشتر از ناحیه دیگر کشورهای مسلمان‌نشین است تا دشمنان خارجی. (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۱۱۳ - ۱۱۲)

برائت از مشرکان در حج این پیام را برای مسلمانان دارد که آنها باید با وجود همه اختلافات و فرق، بر محور توحید و کعبه متحد شوند و همگی کفر و کافران را به عنوان دشمن مشترک خود بدانند. یعنی علاوه بر اینکه قبله، پیامبر و کتاب همه مسلمانان یکی است، دشمن آنها نیز یکی است؛ چراکه دشمن مشترک همه مسلمانان علی‌رغم تفاوت‌های سیاسی و جغرافیای آنها در کفر و کافر بودن یکسان است.

در پاسخ به این سؤال که برائت در حج در حالی که کافر و دشمنی در مکه نیست یا اینکه برائت از دشمن به طور کلی و بدون تعیین مصداق چه کارکردی دارد، می‌توان گفت چنان‌که

۱. حتی بیداری اسلامی از جهت تقویت ایده دشمن مشترک غرب به نوعی مورد تأیید و حمایت غرب است. (نجفی، ۱۳۹۰: ۲۱۴ - ۲۱۰)

دشمن خارجی واقعی مشترک، کارکردهای انسجام‌بخشی و هویت‌آفرینی دارد، وجود دشمن فرضی و انتزاعی که واقعیت مفهومی و معنایی دارد نیز چنین کارکردی دارد.

وقتی بر چیزی عنوان دشمن بودن اطلاق شد، آنگاه از طرف آن احساس خطر و تهدید می‌شود. به عبارت دیگر یکی از کارکردها و بروزات دشمن، تهدید است. «تهدید» کنش و فعلی اجتماعی است که گاهی در یک رفتار و گاهی در قالب کلمات بروز پیدا می‌کند. تهدید لزوماً عملی نمی‌شود، بلکه تهدیدکننده می‌خواهد بر شخص تهدیدشونده سلطه یابد و «سلطه» برای رسیدن به اهداف استعماری تهدیدکننده است. در سوی دیگر تهدید، واکنش تهدید شونده به تهدید وجود دارد که ممکن است به «مقاومت» و عدم تسلیم در مقابل خواست تهدیدکننده ختم شود. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۹۴)

از آنجا که فعل تهدید برخاسته از یک «غیر» است، سبب می‌شود در افراد تهدید شونده هویت جمعی و وحدت و به دنبال آن، عنصر مقاومت در جامعه به وجود آید. نکته مهم در اینجا این است که «ایستادگی، ایستادگی می‌آفریند»^۱ یعنی قدرت و توان مردمی که به دلیل تهدید، تسلیم شده‌اند با دیدن نشانه‌های پیروزی جریان «مقاومت» بالا می‌رود. افزون بر این، تداوم جریان مقاومت، توانمندی‌های جریان مقاومت را افزایش و توانمندی‌های جریان تهدید را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، زمان در رابطه بین مقاومت و تهدید عامل کاستن شدت تهدید و افزایش قوت مقاومت است. به این ترتیب، عامل «شرایط» به نفع جریان مقاومت بر خواهد گشت و به این نحو، جریان «مقاومت» می‌تواند به جریان «سلطه» غلبه یابد.

مراسم برائت از مشرکین در حج کارکردهای سیاسی اجتماعی نیرومندی در ایجاد وحدت در جهان اسلام دارد. کفر و کافران، دشمن اسلام و مسلمانان هستند هرچند ابراز و اعمال دشمنی نکنند که سابقه تاریخی و ماهیت آنها چنین چیزی را بعید می‌نماید. وقتی مسلمانان کافران را دشمن خود بدانند، آنگاه از جانب آنها احساس تهدید می‌کنند و روابط خود را با سایر مسلمانان و غیرمسلمانان به گونه دیگری تنظیم می‌کنند که در راستای عزت‌یابی و حفظ منابع و منافعشان باشد نه آن چیزی که در چند قرن اخیر در استعمار کشورهای اسلامی و خودباختگی آنها در برابر غرب گذشته است.

۱. مقام معظم رهبری این مسئله را به زیبایی در تاریخ صدر اسلام تبیین نموده‌اند. (ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام به مناسبت میث حضرت رسول اعظم ﷺ، ۱۳۸۷/۵/۹)

۳. تقویت همبستگی

همبستگی و همگرایی جهان اسلام، در اندیشه سیاسی امام خمینی ره جایگاه ویژه‌ای دارد (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۶۷ - ۱۹) امام ره، حج را یکی از ابزارها و مکان‌های تحقق همبستگی در جهان اسلام می‌دانست. (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۰ / ۳۳۹) ایشان همبستگی را یکی از فلسفه‌های مهم حج می‌دانست و زائران را به این امر فرا می‌خواند و آنها را از تفرقه‌افکنی پرهیز می‌داد. ایشان در این زمینه نیز برای روحانیون و اندیشمندان جهان اسلام، رسالت مهمی قائل‌اند. (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۵ - ۳۳)

امام ره در مورد همبستگی در جهان اسلام، تنها به بیانیه و نظریه‌پردازی بسنده نکرده، بلکه راه‌کارهای عملی هم ارائه می‌دهد (هاشمی، ۱۳۸۲) که یکی از آنها شرکت در نماز جماعت اهل سنت به ویژه در روزهای حج است. به این ترتیب امام خمینی ره، با استفاده از همگرایی مناسبی، سعی در تقویت همگرایی سیاسی و اجتماعی دارد.

بیداری اسلامی، یک حرکت فراگیر سیاسی و اجتماعی است که بدون پشتیبانی و حمایت همه‌جانبه ملت‌های مسلمان، به نتیجه عملی نخواهد رسید. در این بین، حج برای جهان اسلام فرصت بی‌نظیری است تا ضمن تبیین و تثبیت مبانی نظری و اندیشه‌ای خود در بیداری اسلامی، همبستگی لازم برای ادامه مقتدر و پرصلابت این مسیر را نیز کسب کند. حج از دو جهت می‌تواند همبستگی مسلمانان را در راستای بیداری اسلامی تقویت کند:

یک. تقویت هویت تمدنی

هویت تمدنی، معرفت و آگاهی عمیق انسان به تمدنی است که منسوب به آن است. درک چنین هویتی، به فرد این امکان را می‌دهد که احساس کند در سرزمینی زندگی می‌کند که ریشه‌های فرهنگی آن، تا اعماق تاریخ کشیده شده است و این احساس، سبب تعلق ارتباط به آن تمدن و در نتیجه، شکل‌گیری «هویت تمدنی» می‌شود. احساس تعلق به یک تمدن، به معنای وابستگی به تمامی مظاهر آن تمدن و از جمله: مشاهیر، افتخارها، میراث‌ها و ارزش‌های آن است. نبود «هویت تمدنی»، زمینه‌ساز تأثیرپذیری منفعلانه از تمدن‌های موجود است. (شرفی، ۱۳۸۱: ۸۲)

بنابراین، بیداری اسلامی بدون توجه به هویت تمدنی بی‌معناست. چنان‌که تحقق هویت تمدنی، شرط تداوم تمدن است، مقدمه و لازمه احیای یک تمدن و پیروزی آن بر تمدن

رقیب، احیای هویت تمدنی است. به عبارت دیگر، هویت تمدنی، هم شرط ایجاد تمدن است و هم شرط حفظ بقای آن.

مسلمانان، زمانی برای تحقق فرهنگ اسلامی و مبارزه با فرهنگ غربی و حاکمان خودفروخته خود، اقدامی انجام می‌دهند که با یک هویت تمدنی احیای تمدن اسلامی را مدنظر قرار داده باشند، وگرنه انگیزه‌ای برای تغییر وضع موجود وجود ندارد. از این‌رو بین هویت تمدنی و بیداری اسلامی رابطه‌ای دو سویه برقرار است: بیداری اسلامی، در ابتدا با وجود هویت تمدنی آغاز می‌شود و پس از به ثمر نشستن، هویت تمدنی را تقویت می‌کند. انجام مناسک حج در سرزمین وحی و مشاهده مشاعر مقدسه، زمینه‌ساز آشنایی حج‌گزار با ریشه‌های فرهنگی تمدن اسلامی است؛ او می‌تواند ریشه‌های تاریخی پیدایش تمدن خود را بشناسد، به ویژگی‌های بارز و برجسته تمدن اسلامی آگاهی یابد، با شخصیت‌های تمدن‌ساز بیشتر آشنا شود و از جایگاه تمدن خود در بین تمدن‌های دیگر، شناخت دقیق‌تری پیدا کند. امام علیه السلام، در این مورد می‌فرماید:

از نکاتی که حجاج محترم باید به آن توجه کنند، اینکه مکه معظمه و مشاهد مشرفه، آینه حوادث بزرگ نهضت انبیا و اسلام و رسالت پیامبر اکرم است. جای‌جای این سرزمین، محل نزول و اجلال انبیای بزرگ و جبرئیل امین و یادآور رنج‌ها و مصیبت‌های چندین ساله‌ای است که پیامبر اکرم در راه اسلام و بشریت متحمل شده‌اند و حضور در این مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه و در نظر گرفتن شرایط سخت و طاقت‌فرسای بعثت پیامبر، ما را به مسئولیت و حفظ دستاوردهای این نهضت و رسالت الهی بیشتر آشنا می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۲۷)

روح حاکم بر پیام‌های امام علیه السلام در حج، احیای تمدن اسلامی است. ایشان با صدور پیام‌هایی به مسلمانان جهان در ایام حج، می‌خواستند شخصیت و هویت اصیل و کهن اسلامی آنان را در مقابل دشمنان اسلام و فرهنگ بیگانه، بیدار کنند. (همان: ۲۶، ۴۸، ۴۹ و ۲۶۴)

دو. رنگ باختن ملیت‌ها در حج

پراکندگی جغرافیایی و فرهنگی جهان اسلام می‌تواند به عنوان مانعی در مسیر هویت‌یابی مشترک و همبستگی جهان اسلام باشد. گذشته از این، ارتباط بین اصول و فرهنگ اسلامی و ملی در بین کشورهای اسلامی همواره یکی از مباحث جامعه‌شناسی کلان جهان اسلام

بوده است که در فضای سیاسی و اجتماعی کشورهای اسلامی بسیار مؤثر بوده است. در بررسی روند بیداری اسلامی در جهان اسلام نیز به این مسئله برمی‌خوریم و می‌بینیم زمانی که ملی‌گرایی به عنوان ایدئولوژی نهضت‌ها قرار می‌گیرد مانعی اساسی در بیداری اسلامی به وجود می‌آید و زمانی که اسلام مبنای حرکت‌های سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرد، بیداری اسلامی در مسیر تکامل قرار می‌گیرد و قدرت‌های استعماری را به شدت به چالش می‌کشد؛ زیرا «ناسیونالیسم فقط یک پیوند تاریخی و زبانی است نه یک فلسفه دارای اصول و نه یک منظومه اعتقادی» (صدر، ۱۴۰۸ ق: ۱۰ / ۱۴ - ۱۳) بنابراین نمی‌تواند منبع فکری و اندیشه‌ای نهضت باشد. پس بیداری اسلامی باید مبتنی بر اصول فرهنگ و تمدن اسلامی بنا شود.

بعد از جنگ جهانی اول، با توطئه انگلیس، امپراتوری عثمانی تجزیه شد و ناسیونالیسم‌های ترک، فارس و عرب در جهان اسلام پدیدار گشت. (درایسدل، ۱۳۷۰: ۹۷ - ۷۷) البته عملکرد امپراتور عثمانی در بی‌توجهی به هویت فرهنگی اعراب نیز مؤثر بود. (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۵۸) پس از برچیده شدن امپراتوری عثمانی، با حذف نظام خلافت در سال ۱۹۲۴، راهی اساسی در حذف دین از صحنه عمومی جامعه باز و این ایده تقویت شد که هویت‌های ملی نهفته در دولت‌های ملی تنها شکل معتبر اجتماع سیاسی است. (سعید، ۱۳۹۰: ۱۰۱ - ۷۱) البته هرچند برخی از ملی‌گرایان در جهان اسلام معتقد بودند اندیشه میهن‌پرستی در اروپای مسیحی قرن شانزدهم به بعد، زمینه‌ساز تحولات اساسی در غرب شد (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۱) ولی رهاورد ناسیونالیسم برای جهان اسلام پیدایش رژیم‌های دیکتاتوری نظامی و نابرابری طبقاتی و دین‌زدایی بود (محمودیان، ۱۳۹۰: ۲۹) و هرچند ناسیونالیسم در ابتدا در پاسخ به احساس سرخوردگی و ضعف فرهنگی در برابر غرب بود (نصر، ۱۳۸۳: ۱۹۷) و بر فرهنگ بومی تأکید داشت ولی عملاً به رواج تشریفات غربی منجر شد. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۶۲: ۳۰۸)

پس از دهه ۱۹۷۰ ناسیونالیسم، قدرت بسیج‌کننده و مشروعیت سیاسی و اجتماعی خود را از دست داد (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۶۱ - ۱۶۰) و پس از شکست اعراب از اسرائیل و با پیروزی انقلاب اسلامی ملی‌گرایی رنگ باخت و با شکست چنین ایدئولوژی‌های وارداتی (قطب، ۱۳۷۴: ۲۰۶) اسلام‌گرایی به عنوان تنها راه جایگزین مطرح شد.

حج جایگاهی است که در عین حضور حداکثری ملل و فرهنگ اسلامی، نهایت یک‌دلی و وحدت در آن وجود دارد. در حج، همه زائران خانه خدا اعمال یکسانی را در زمان و مکان

یکسان انجام می‌دهند و حتی لباس آنها برای انجام این عمل یکسان است تا هیچ گونه وجه تفاوتی باقی نماند و تنها تفاوت آنها در خلقت آنها باشد که خداوند آن را وسیله‌ای برای شناخت اقوام مختلف معرفی می‌کند. (حجرات / ۱۳) به این ترتیب مسلمانان در حج می‌آموزند که ملیت‌ها را در سایه ایمان به خدا و تقوا کنار بگذارند و اسلام را مایه و محور وحدت و هم‌گرایی خود قرار دهند.

البته رابطه بیداری اسلامی و همبستگی رابطه‌ای دوسویه است. از سویی بدون همبستگی، حرکت بیداری اسلامی، کند یا متوقف خواهد شد و از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین نتایج بیداری اسلامی همبستگی است که از فلسفه‌های مهم حج است. امام خمینی ره نیز نهضت و قیام را منشأ وحدت (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۵ / ۴۸) و وحدت را حاصل قیام و انقلاب می‌دانستند. (همان: ۱۰ / ۸۶؛ ۱۶ / ۱۲)

۴. ابعاد عرفانی حج و بیداری اسلامی

حج جنبه‌های عرفانی بسیار عمیقی دارد و مؤمنان را در کنار خانه خدا با بسیاری از اعمال عارفانه همراه می‌کند. امام خمینی نیز به این ابعاد بسیار توجه داشتند. (همان: ۳۱ - ۲۹، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۶۲، ۱۷۵) یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ابعاد عرفانی حج، درهم‌تنیدگی آن با ابعاد سیاسی است. در جریان بیداری اسلامی نیز عامل بسیار قوی و محرکی که بتواند نهضت را به سرانجام برساند، ایمان و تدینی است که در مسیر اعتلای سیاسی و اجتماعی جامعه قرار گیرد. به این ترتیب عرفان، حماسه‌ای ماندگار می‌آفریند و نهضت از آسیب و انحراف دور می‌شود. امام خمینی نیز در پیام‌های خود به زائران خانه خدا می‌خواهند توجه مسلمانان را به این ابعاد و رویکرد در حج جلب کنند تا زائران خانه خدا با الگو قرار دادن ابراهیم علیه السلام در مقابل شرک و طاغوت و استعمار بایستند. برای فهم اینکه امام چگونه از ابعاد عرفانی حج، تحلیلی سیاسی و اجتماعی در راستای قیام علیه استکبار ارائه می‌نمایند باید اندیشه عرفانی امام را بررسی کنیم.

در شرایطی که عرفان در همه مراحل عملی و نظری خود در قالب فردی بود و تعریف عرفان نیز جنبه اجتماعی نداشت^۱ (آشتیانی، ۱۳۷۰: ۲۷) امام خمینی هرچند در امتداد مکتب

۱. برخی برقراری ارتباط بین عرفان و سیاست را از لحاظ نظری کار دشواری می‌دانند (داوری اردکانی، ۱۳۷۹: ۲۷۹ - ۲۶۱)

حج و ظرفیت‌های درونی جهان اسلام در بیداری اسلامی ... □ ۲۲۳

عرفانی پیشینیان آثاری نگاشت^۱ ولی به طور کامل در اختیار فکر عرفانی آنان نبود و ضمن انتقاد از مشرب سیاسی - اجتماعی عارفان، (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۸ / ۵۲۹) در عمل نیز تصویری جدید از عرفان انقلابی ارائه کرد که در آن، دنیا و سیاست را محل اشراقات نفسانی و مانع سیر و سلوک فردی ندانست بلکه تداوم سلوک خویش را در سلوک جمع می‌دانست. (فرازی، ۱۳۸۲: ۳۲۴)

در اندیشه امام، اسلام هم به دنیا دعوت می‌کند و هم به آخرت (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۲ / ۵۰۸) و سیر الی‌الله بر اساس سیره اهل بیت^{علیهم‌السلام} در هر دو بعد فردی و اجتماعی است (همان: ۱۷ / ۱۷۵ - ۱۷۴)

امام خمینی^{علیه‌السلام}، از جمله عارفان راستینی بود که عرفان نظری و عملی را به هم آمیخت و مبانی عمیق نظری، برهانی و فلسفی برای آن تبیین کرد. از این‌رو، امام خمینی^{علیه‌السلام}، عارفی همه‌جانبه بود که عرفانش سبب گوشه‌گیری صوفیانه و مانع از حضور و فعالیت سیاسی - اجتماعی او نشد. (عابدی، ۱۳۸۵؛ منصوری لاریجانی، ۱۳۷۷)

فعالیت سیاسی امام را می‌توان ثمره و مرحله تکامل یافته خودسازی‌های درونی امام دانست. (الگار، ۱۳۸۰: ۱۹۸) به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی نتیجه طبیعی و تاریخی مرحله پایانی سلوک امام خمینی در بازگشت به عالم کثرت و خلق انسانی از سفر به سوی حق می‌باشد. (نامدار طالشانی، ۱۳۸۲: ۴۸۲ - ۴۸۷) از این رو می‌توان گفت در بین نابیان حضرت حجت^{علیه‌السلام} کسی که عرفان پویا را با نهضت علیه ستم شرق و غرب جمع کرد امام خمینی بود. (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۴۶)

ادبیات عرفانی امام خمینی نیز رنگ و بویی سیاسی دارد مثلاً مفهوم شرق و غرب مطرح شده در مباحث حکمای اسلامی قابل انطباق بر معنای جغرافیای این دو مفهوم در ادبیات سیاسی است. در این مباحث غرب بیانگر ظلمت و ماده است. در ادبیات سیاسی و اجتماعی امام خمینی، غرب همواره مورد انتقاد بوده و ایشان مسلمانان را به تکیه بر میراث فرهنگی و دینی خود سفارش کرده است. (خالقی، ۱۳۷۹)

بدین ترتیب، در می‌یابیم که عرفان امام خمینی^{علیه‌السلام}، جنبه‌ای سیاسی دارد. از این‌رو، ایشان از

۱. برخی از آثار عرفانی امام عبارتند از: *مصباح الهدایه الی الخلافه و الولاية، تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، شرح چهل حدیث، معراج السالکین و صلاة العارفين، شرح حدیث جنود عقل و جهل.*

مهم‌ترین مفاهیم عرفانی مانند توحید، در نفی طاغوت و مبارزه با آن، تحلیلی سیاسی ارائه می‌کند. تنیدگی ابعاد سیاسی و عرفانی شخصیت امام علیه السلام، در نگاه ایشان به حج نیز به خوبی مشهود است:

مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد، مگر آنکه دستورات عبادی حج، به‌طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود ... و بعد سیاسی و اجتماعی آن حاصل نمی‌گردد، مگر آنکه بعد معنوی و الهی آن جامه عمل پوشد ... (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۳۸)

این مسئله، با توجه به جنبه‌های سیاسی مناسک حج، ابعاد عمیق‌تری پیدا می‌کند. امام خمینی علیه السلام، لبیک، طواف، رمی و قربانی را در یک منطق توحیدی، بر مدار بیعت با حق و نفی شرک و طاغوت تفسیر می‌کند و ابراهیم علیه السلام بنیان‌گذار حج را بت‌شکن تاریخ می‌داند و معتقد است که زائر خانه خدا، جا پای حضرت ابراهیم علیه السلام می‌گذارد و به همین دلیل، باید حج ابراهیمی را بر همین اساس انجام دهد. به عبارت دیگر، معنویت حج از مناسک حج ناشی می‌شود؛ مناسکی که در عین عبادی بودن، رویکردی سیاسی دارند.

معنویت و ایمانی که در جریان حج، به بهترین شکل ایجاد و تقویت می‌شود، از دو جهت بر بیداری اسلامی تأثیرگذار است:

یک. ایجاد و آغاز بیداری اسلامی، از توجه و اهمیت مسلمانان به دین و ایمان ناشی می‌شود. بی‌شک، بیداری اسلامی از نظر افراد بی‌ایمان و لابیالی نسبت به دین و مذهب، امری بی‌معناست. بنابراین، پیش از هر چیز، باید عرق و تعهد دینی در افراد جامعه تقویت شود تا آنگاه افراد مؤمن، دست به نهضت بیداری اسلامی بزنند.

امام خمینی علیه السلام، خطاب به زائران خانه خدا، نقش ایمان در مبارزه و جنبش بیداری اسلامی را این‌گونه تبیین می‌کند:

... و اگر جهات معنوی به فراموشی سپرده شود، گمان نکنید که بتوان از چنگال شیطان نفس‌رهایی یابید و تا در بند خویشتن خویش و هواهای نفسانی خود باشید، نمی‌توانید جهاد فی سبیل الله و دفاع از حریم الله نمایید... (همان: ۱۳۹)

دو. بر فرض که با گرایش‌های سیاسی، جنبش بیداری اسلامی آغاز شود، ولی پیروزی و دوام این جنبش و خیزش، بدون ایمان و رعایت جنبه‌های اخلاقی و معنوی، ممکن نخواهد بود. امام خمینی، در پیامی به زائران خانه خدا، در مورد نقش ایمان در پیروزی این مبارزه‌ها می‌فرماید:

تاریخ باید سرمشق ما باشد و ما وقتی که تاریخ را نگاه می‌کنیم، تحولاتی که پیدا شده است در اسلام و در مسلمین، هر جا که قوت ایمان در کار بوده است و مردم و مسلمین به قوت ایمان حرکت می‌کردند، نصر با آنها همراه بوده است و هر وقت برای رسیدن به آمال دنیایی بوده است، نصر از آنها فرار می‌کرده است. (همان: ۲۱ - ۲۰ و ۱۶۲)

نتیجه

امام خمینی فقیه‌ی عارف بود که با دیدی سیاسی و اجتماعی به دین می‌نگریست و بر همین اساس، حکومت اسلامی را برای اجرای کامل دین ضروری می‌دانست. بر این اساس در مسیر قیام و مبارزه برای اعتلای اسلام گام نهاد و همه مسلمانان را متوجه ظرفیت عظیم اسلام در این مورد کرد. این قرائت نوین امام، سرآغازی برای بیداری اسلامی شد و مسلمانان جهان را به قیامی همه‌جانبه علیه هر آنچه عزت امت اسلامی را هدف قرار داده بود فراخواند. امام خمینی با همین نگرش، انقلاب اسلامی ایران را در عین ناباوری غربیان به پیروزی رساند و پس از آن از ظرفیت‌های اسلام برای صدور انقلاب که روح آن بیداری اسلامی بود بهره برد. در این مسیر استفاده از توانمندی و ظرفیت‌های درونی و ذاتی اسلام که با شگرد و توطئه دشمنان از کارایی اصلی خود دور شده بود مورد توجه جدی امام قرار گرفت. لذا امام خمینی به سراغ حج رفت و با پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به مناسبت حج سعی کرد مسلمانان را متوجه این ظرفیت عظیم در تعالی اسلام کند. بنابراین مسلمانان باید راز تعالی خود را در پایبندی به تعالیم اسلام جستجو کنند و اکنون نیز اسلام، تنها راه برون‌رفت از مشکلات است.

منابع و مأخذ

۱. آشتیانی، سیدجلال الدین، ۱۳۷۰، شرح مقدمه قیصری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. ابن خلدون، ۱۳۶۲، مقدمه ابن خلدون، ترجمه پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۳. ا.ج. فرانک، دانیل، ۱۳۷۹، «پیوند اخلاق و سیاست در تفکر اسلامی»، ترجمه مسعود صادقی علی آبادی، پژوهشنامه متین، ش ۹.
۴. احمدی، حمید، ۱۳۹۰، «موج سوم بیداری عرب؛ ریشه‌یابی قیام‌های اخیر در کشورهای عربی»، مجله مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه.
۵. _____، ۱۳۹۰، جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های اسلامی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران.
۶. _____، ۱۳۹۱، سیر تحول جنبش‌های اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران.
۷. _____، ۱۳۹۰، حج در آئینه روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۱.
۸. اسماعی، فادی، ۱۳۷۶، «پدیده اسلام ترسی»، ترجمه پرویز شریفی، ماهنامه اسلام و غرب، وزارت امور خارجه، سال اول، پیش شماره دوم، مرداد.
۹. اسمیت، برایان کلايو، ۱۳۸۰، فهم سیاست جهان سوم: نظریه‌های توسعه و دگرگونی سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی و محمدسعید قائنی نجفی، تهران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی [وزارت امور خارجه]، مرکز چاپ و انتشارات.
۱۰. افتخاری، اصغر، ۱۳۷۲، «ابعاد اجتماعی برنامه امنیتی اسرائیل؛ دستور کاری برای قرن بیست و یکم»، فصلنامه مطالعات امنیتی، شماره ۱.
۱۱. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۲. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۵، کالبدشکافی تهدید، تهران، دانشگاه امام حسین علیه‌السلام.
۱۳. _____، ۱۳۹۱، بیداری اسلامی در نظر و عمل، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۱۴. افروغ، عماد، ۱۳۸۶، انقلاب اسلامی و مبانی باز تولید آن، تهران، شرکت انتشارات انقلاب اسلامی و سوره مهر.
۱۵. الگار، حامد، ۱۳۸۰، «ترکیب ابعاد سیاسی و عرفانی در شخصیت امام خمینی»، ترجمه صدرالدین موسوی، مجله متین، شماره ۱۲ - ۱۱، تابستان و پاییز.
۱۶. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۰، مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية، ترجمه سید احمد فهری، تهران، پیام آزادی.
۱۷. _____، ۱۳۷۴، حج در کلام و پیام امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاییز، چ ۲.
۱۸. _____، ۱۳۶۱، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه‌السلام، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

- حج و ظرفیت‌های درونی جهان اسلام در بیداری اسلامی ... □ ۲۲۷
۱۹. _____، ۱۳۷۶، *وحدت از دیدگاه امام خمینی* (تبیان، دفتر پانزدهم)، قم، معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۱.
۲۰. _____، ۱۳۸۴، *صدر انقلاب از دیدگاه امام خمینی* (تبیان، دفتر ششم)، تهران، معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۱. _____، ۱۳۷۸، *جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی*، (تبیان، دفتر نوزدهم)، تهران، معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۱.
۲۲. _____، ۱۳۸۷، *صحیفه حج* (مجموعه سخنان و پیام‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی علیه السلام)، تهران، مرکز تحقیقات حج، شعر، چ ۲.
۲۳. امیدوار، احمد و حسین یکتا، ۱۳۷۹، *حضرت امام خمینی و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی*، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، دفتر سیاسی، چاپ ۱.
۲۴. این مونگ، چونگ و ادواردای آذر، ۱۳۷۹، *امنیت ملی در جهان سوم*، ترجمه ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۵. برجی دیزجی، علی و دیگران، ۱۳۷۷، *روزها و رویدادها*، تهران، انتشارات زهد.
۲۶. بی‌نا، ۱۳۸۹، *مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام خمینی*، ج ۲، قم، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (وابسته به جامعه المصطفی العالمیه)، چ ۱.
۲۷. بی‌نا، ۱۳۹۰، *بیداری اسلامی در گستره سیاست جهانی* (درآمدی تحلیلی بر اسلام سیاسی)، گردآوری و تدوین زیر نظر غلامرضا خواجه سروی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۸. پوپر، کارل ریموند، ۱۳۵۰، *فقر تاریخی‌گری در حوزه فرهنگ و تمدن غربی*، ترجمه احمد آرام، تهران، خوارزمی.
۲۹. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴، *بیداری اسلامی، چشم‌انداز آینده و هدایت آن*، ج ۲، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۳۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۲، *عرفان و حماسه*، تهران، رجاء.
۳۱. حسینی آهق، مریم، سیده رقیه میرابوالقاسمی، محمد دشتی و دیگران، ۱۳۸۹، *درباره حج*، تهران، نشر کتاب مرجع.
۳۲. حسینی فر، رضا، ۱۳۸۸، *امام خمینی علیه السلام و بیداری اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف.
۳۳. خالقی، علی، ۱۳۷۹، *امام خمینی و گفتمان غرب*، قم، انجمن معارف اسلامی ایران.
۳۴. خراسانی، رضا، ۱۳۸۷، *اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی اسلام*، قم، بوستان کتاب.

۳۵. داوری اردکانی، رضا، ۱۳۷۹، «عرفان و سیاست»، مجله متین، شماره ۷، تابستان.
۳۶. درایسدل، آلاسداير و جرالداچ بلیک، ۱۳۷۰، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دره میرحیدری (مهاجرانی)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، چ ۲.
۳۷. دکمجان، هرایر، ۱۳۷۷، *اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیدینه بنیادگرایی اسلامی)*، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان، چ ۳.
۳۸. روشه، گی، ۱۳۸۰، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منوچهر وثوقی، تهران، نشر نی.
۳۹. زارع، عباس، ۱۳۷۹، *مجموعه آخرین انقلاب قرن، ج ۱ (ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران)*، تهران، معارف.
۴۰. سریع القلم، محمود، ۱۳۷۹، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۴۱. سعید، بابی، ۱۳۹۰، *هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی*، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲.
۴۲. سیاسی، علی‌اکبر، ۱۳۷۰، *روان‌شناسی شخصیت*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۳. شرفی، محمدرضا، ۱۳۸۱، *جوان و بحران هویت*، تهران، سروش، چ ۳.
۴۴. صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۰۸ ق - ۱۹۸۷ م، *اقتصادنا، المجموعه الکامله لمولفات السید محمدباقر الصدر*، ج ۱۰، بیروت، دارالتعارف المطبوعات.
۴۵. عابدی، احمد، ۱۳۸۵، *دفتر عقل و قلب: پرتویی از اندیشه‌های عرفانی و فلسفی امام خمینی (ره)*، قم، زائر.
۴۶. عنایت، حمید، ۱۳۶۶، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی.
۴۷. عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۹۱، *شناخت ماهیت استعمار فرانسو*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۸. غفوریان، محمدرضا، ۱۳۸۸، *مبانی و ویژگی‌های عرفان نظری امام خمینی (ره)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۴۹. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۸۲، «تعامل عرفان و سیاست در اندیشه امام خمینی» در *امام خمینی و اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی (اخلاق، عرفان و جامعه)*، کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۱.

۵۰. قطب، محمد، ۱۳۷۴، *بیداری اسلامی*، تهران، اطلاعات.
۵۱. کدی، نیکی و مارک گازیوروسکی، ۱۳۷۹، *نه شرقی نه غربی (روابط خارجی ایران با آمریکا و شوروی)*، ترجمه ابراهیم متقی و الهه کولایی، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵۲. کریمیان، محمدباقر، ۱۳۸۷، *امام خمینی ره و بیداری اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۵۳. گروهی از نویسندگان، ۱۳۶۲، *وحدت*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۴. گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۷، *استعمار فرانو*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵۵. گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۹، *مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام خمینی*، ج ۱، قم، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (وابسته به جامعه المصطفی العالمیه)، چ ۱.
۵۶. گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، *مقالات برگزیده همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی و آیت الله العظمی خامنه‌ای*، تهران، نهضت نرم‌افزاری (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی).
۵۷. گروهی از نویسندگان، ۱۳۷۹، *مؤلفه‌های اندیشه سیاسی امام خمینی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (گروه تحقیقات سیاسی اسلام).
۵۸. محمودیان، محمد، ۱۳۹۰، *بنیادهای فکری القاعده*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چ ۱.
۵۹. مرتضایی، علی‌اکبر، ۱۳۷۸، *امام خمینی در حدیث دیگران*، تهران، انتشارات پیام آزادی.
۶۰. منصوری لاریجانی، اسماعیل، ۱۳۷۷، *سیری در اندیشه عرفانی حضرت امام ره*، تهران، مرکز نشر فرهنگی آیه.
۶۱. منصوری، جواد، ۱۳۸۵، *استعمار فرانو: نظام سلطه مدرن در قرن بیست و یکم*، تهران، امیرکبیر.
۶۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲، *ایدئولوژی، رهبری و فرایند انقلاب اسلامی* (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی)، ج ۱، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۶۳. نامدار طالشانی، مظفر، ۱۳۸۲، «حکیم وحدت و زعیم کثرت (امام خمینی متفکر دوران گذار به جامعه توحیدی)» در *امام خمینی و اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی (اخلاق، عرفان و جامعه)*، کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۱.
۶۴. نبی لوحی، سیدعلی، ۱۳۷۸، *ایران و آمریکا*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۶۵. نتانیاهاو، بنیامین، ۱۹۹۵ م، *مکان تحت الشمس*، ترجمه محمد عودة الدویری، عمان، دار الجلیل للنشر.

۳۳۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۴، بهار ۹۴، ش ۱۲

۶۶. نجفی، موسی، ۱۳۹۰، *تمدن برتر: نظریه تمدنی بیداری اسلامی و طرح عالم دینی*، اصفهان، نشر آرما، ج ۱.
۶۷. نجفی، موسی، ۱۳۹۱، *نظریه بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*، تهران، نشر نهضت نرم‌افزاری.
۶۸. نصر، سیدحسین، ۱۳۸۳، *اسلام و تنگناهای انسان متجدد*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۶۹. واعظی، احمد، ۱۳۸۷، *استعمار فرانو، جهانی سازی و انقلاب اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی امام خمینی.
۷۰. ولایتی، علی‌اکبر، ۱۳۸۶، *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (از رکود تا بیداری اسلامی)*، ج ۲، تهران، وزارت فرهنگ و امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
۷۱. هاشمی، سیدمحمدجواد، ۱۳۸۲، *امام خمینی و هم‌گرایی جهان اسلام*، زاهدان، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان.
۷۲. هانتر، شیرین، ۱۳۸۰، *آینده اسلام و غرب: برخورد تمدنها یا همزیستی مسالمت‌آمیز*، ترجمه همایون مجد، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
۷۳. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۸۱، *رویارویی تمدن‌ها*، ترجمه مجتبی امیری، تهران، مرکز چاپ و انتشارات امور خارجه.
۷۴. هوبر، احمد، ۱۳۷۰، «دستاورد های انقلاب اسلامی در جهان امروز»، *مجله حضور*، شماره ۱، خرداد.
۷۵. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۷۲، *انقلاب ایران به روایت بی.بی.سی*، تهران، طرح نو.
۷۶. هیکل، محمدحسین، ۱۴۰۲ ق، *مدافع آیه الله (قصه ایران و الثورة)*، بیروت و قاهره، دارالشروق.

ضرورة الحكم الديني مع التأكيد علي محورية سلطة الفقه الاجتماعي

روح الله شاكري زواردهي^١ / مرضيه عبدلي مسينان^٢

الخلاصة: الفقه الاجتماعي يدور حول السلطة في ذاته، بمعنى ان تطبيق العديد من احكام الاسلام يتوقف على وجود حكومة وسلطة. ومن جانب آخر، فان اهداف الفقه الاسلامي لها ماهية حكومية. لذلك، فان تحقيق هذه الاهداف رهن - فقط - بوجود حكومة دينية. حيث انه وبفقدان الحكومة الدينية الصالحة، تتعطل العديد من احكام الاسلام او تطبق بشكل ناقص. وفي الحقيقة، بين الفقه الاسلامي والتدين من جهة والحكومة والسلطة من جهة اخرى رابطة غير قابلة للفصل. ويسعى هذا المقال، من خلال نظرة اجمالية الى بعض الاحكام الاجتماعية الاسلامية واهداف الفقه، الى اثبات ضرورة الحكومة الدينية من اجل تحقيق اهداف الفقه وتطبيق احكامه.

الكلمات المفتاحية: الحكومة، الاسلام، الفقه الاجتماعي، الاحكام.

الأسس والأدلة التي تقوم عليها المادة ١٤١ من دستور الجمهورية الاسلامية الایرانية (منع الجمع بين المشاغل)

فيروز اصلاني^٣ / عبد المجيد رحمانيان^٤

الخلاصة: المادة ١٤١ من دستور الجمهورية الاسلامية الإيرانية، من المواد الاساسية والتي تمنع الجمع بين عدة مشاغل. ولهذه المادة اساس ومبنى شرعي، قانوني، فكري، فلسفي وتاريخي. ومن اجل منع قيام شخص بعدة مشاغل واعمال، هناك ادلة متعددة جرى بيانها، من جملتها: الحيلولة دون توقف الاعمال، الحيلولة دون احتمال اعمال النفوذ، العدالة في التوظيف والعمل، الحيلولة دون تضييع بيت المال، تنمية القابليات، واحترام التخصص. كما ان الاهتمام بهذه المادة يعد امرا مهما للغاية من اجل اقامة مجتمع سليم.

الكلمات المفتاحية: المشاغل، فصل السلطات، عدالة التوظيف، المادة ١٤١ من دستور الجمهورية الاسلامية الإيرانية.

١. استاذ مساعد في جامعة طهران.

٢. ماجستير في علم الكلام، مجمع فارابي التابع لجامعة طهران.

٣. استاذ مساعد في جامعة طهران.

٤. طالب دكتوراه قانون عام بجامعة طهران.

u.abdoli@gmail.com

aslanif@ut.ac.ir

مساحات النزاع بين خطابي العولمة والاسلام السياسى مع التاكيد على آراء الامام الخمينى قده وسيد قطب

مرتضى شيرودى^١ / على عنبر^٢

الخلاصة: خطابا العولمة والاسلام السياسى يستعينان من اجل هيمنة الهوية التى يطرحها كل منهما على معانى خاصة من العلامت المطروحة على الساحة الحياتية، لكن مساحات النزاع بينهما من خلال رؤية الامام الخمينى قده وسيد قطب لا تزال غامضة وغير واضحة... ومن هذا المنطلق سنواجه هذا التساؤل: ما هى مساحات او مناطق النزاع بين خطابي العولمة والاسلام السياسى فى ضوء آراء الامام الخمينى قده وسيد قطب؟ يظهر ان الخطابين مختلفان فيما يتعلق بالسلطة، العدالة، المشاركة، التنافس وغيرها. والهدف من هذا المقال هو بيان عدم الانسجام القائم بين الخطابين فى الظاهر والمضمون من خلال تحديد مساحات النزاع بينهما.

الكلمات المفتاحية: الامام الخمينى، سيد قطب، النزاع، الخطاب، العولمة، الاسلام السياسى.

الانتقال من العلوم السياسية الغربية الى العلوم السياسية الاسلامية من منظار سماحة قائد الثورة

فريبا سادات محسنى سهى^٣

الخلاصة: يسعى هذا المقال الى معرفة اكثر برؤية سماحة قائد الثورة فى مجال الانتقال من العلوم السياسية الغربية الى العلوم السياسية الاسلامية، باعتبارها خطوة مؤثرة فى تنفيذ مشروع التطور العلمى فى البلاد. لذلك تسعى الكاتبة ومن خلال منهج التحليل المضمونى للمعطيات الاساسية، الى استخراج رؤى ومواقف سماحته من بين الخطابات والوثائق والمواقف التى صدرت عنه فى مجال العلم والتقنية و...، وبالتالي بيان النموذج المفهومى للانتقال من العلوم السياسية الغربية الى العلوم السياسية الاسلامية. وستكون النتائج فى محاور مثل: الشروط، الارضيات، الاستراتيجيات العامة، والاجراءات الوطنية المناسبة التى تحتاجها عملية الانتقال هذه، مدخلا للعلماء والباحثين والمسؤولين المعنيين.

الكلمات المفتاحية: سماحة قائد الثورة، العلوم السياسية الغربية، العلوم السياسية الاسلامية، القيم الاساسية، نهضة البرمجيات، التعامل البناء.

dshirody@yahoo.com

١. استاذ مساعد فى معهد الامام الصادق عده العالى.

alianber.84@gmail.com

٢. ماجستير فى التاريخ المعاصر للبلدان الاسلامية، جامعة المصطفى عده.

mohseni_sadat@yahoo.com

٣. طالبة دكتوراه علوم سياسية بجامعة طهران.

الحرب الثقافية للمستكبرين: الاهداف والاستراتيجيات

عبد الله حاجي صادق^١

الخلاصة: جبهة الاستكبار في مواجهة دائمة مع جبهة الثورة الاسلامية، وبسبب فشلها في مجالات الحرب الصلدة او شبه الصلدة، فانها جعلت أهم محاور هجومها في الحرب الثقافية واستهداف الأسس والاركان التي تقوم عليها الثورة الاسلامية، مثل الماهية الدينية، محورية الولاية، الروح الجهادية والثورية، خطاب الثورة الاسلامية وغير ذلك، ومن خلال ادوات متعددة ومتنوعة، وصفت استراتيجيات تنفيذية لتطبيق هذا الهجوم البرمجي والقيمي ضد اسس واركاب الثورة. وبما ان فهم مختلف ابعاد الحرب الثقافية التي يقوم بها الاستكبار بشكل عميق، يعد من أهم مصاديق البصيرة والشرط الاساس في الدفاع عن الثورة الاسلامية، فقد بدأ المقال بتحديد سبعة أهداف ومنافذ لهجوم الاعداء الثقافي، ثم جرى بيان الاستراتيجيات التنفيذية التي يتبعها الاستكبار بشكل عام.

الكلمات المفتاحية: الحرب الثقافية، جبهة الاستكبار، الثورة الاسلامية، الاستراتيجيات التنفيذية.

دراسة مقارنة للتنظيمات اليسارية في خمسينيات وسبعينيات القرن الماضي

محمد رضا حاتمي^٢ / روح الله لطفى زاد^٣

الخلاصة: الاتجاهات الفكرية التنويرية في الخمسينيات بايران، وكالعديد من بلدان العالم الأخرى، يعد نوعا من النضال ضد الرأسمالية الاميركية. لذلك نرى ان التيار التنويري اليساري في الخمسينيات، ومثاثر بنحو ما بالنضال العالمي. في حين ان التيار الحزبي اليساري ينظر دائما الى خارج الحدود ويستلم اوامره وكراساته مباشرة من موسكو. في السبعينيات قام حزب تودة وتنظيمات ماركسية اخرى ومن اجل الحصول على قاعدة اجتماعية، بعملية التقاطية تجمع بين الاسلام والماركسية! كانوا يعدون انفسهم في اوكار تنظيمية وينفذون اغتيالات ثورية ويقومون باعمال كما حصل في غابة "سياهكل"، لكن أزمة وفتنة ٤ فبراير/ شباط (١٩٨٠) ومن ثم هروب بنى صدر من ايران ما تلى ذلك من تطورات ورفض اهلية مرشحهم في الانتخابات، جعل القوى اليسارية تنزل الى الشارع. ودراسة التطورات التي واجهتها هذه التنظيمات وأوجه التشابه في ادائها وسلوكها خلال عقدي الخمسينيات والسبعينيات، هو هدف هذا المقال.

الكلمات المفتاحية: حزب تودة، الماركسيون، الهوية، انتفاضة النفط، التنوير، الاتجاهات اليسارية.

yamahdi433@mihanmail.ir

١. استاذ مساعد بمجمع الشهيد محلاتى للتعليم العالى.

hatami5@yahoo.com

٢. استاذ مساعد بجامعة "بيام نور".

lotfizad_58@yahoo.com

٣. طالب دكتوراه معارف اسلامية - جامعة "بيام نور" طهران.

العلاقة بين الاقتدار والمرجعية العلمية والتقانية... والاقتدار والأمن القومى للجمهورية الاسلامية الايرانية

فرهاد رهبر^١ / حسن حسين زاده^٢

الخلاصة: مع الأخذ بالتأكيدات المستمرة لقائد الثورة حول تحقيق المرجعية العلمية والتقانية فى العالم، وايضاً وفقاً للحديث المروى عن أمير المؤمنين عليه السلام والذى يشير فيه الى مكانة العلم ودوره فى الاقتدار والقوة، يسعى الباحثان ومن خلال المنهج التركيبى من دراسات مكتبية ومتابعات ميدانية، الى دراسة العلاقة بين الاقتدار والمرجعية العلمية والتقانية وتأثيرها على الأمن القومى. ومع الأخذ باختبارات الفرضية، يقدم البحث احصائيات عن معطيات الاستبيان حول حصول الجمهورية الاسلامية الايرانية على الاقتدار العلمى وفى النهاية المرجعية العلمية والتقانية فى العالم مع شروحات فى طيات المقال، وتأثير ذلك على ايجاد الاقتدار وضمان الأمن القومى.

الكلمات المفتاحية: المرجعية العلمية والتقانية، انتاج العلم، الاقتدار، الاقتدار العلمى، الأمن القومى.

دراسة عناصر الدبلوماسية الاقليمية للثورة الاسلامية وتقديم استراتيجية

غلام رضا كريمى^٣ / حسين على توتى^٤

الخلاصة: هذا البحث ومن خلال طرح هذا السؤال، وهو: ما هى المكانة التى حققتها الدبلوماسية الاقليمية للثورة الاسلامية الايرانية فى النظام القائم بالشرق الأوسط وفى ايجاد نموذج اقليمى جديد؟ يصل الى هذه الاجابة، وهى: بالنظر الى أهمية منطقة الشرق الأوسط باعتبارها الدائرة الاولى لعمق الاستراتيجية الدبلوماسية الايرانية، وبسبب طبيعة الثورة الاسلامية، فان لايران قدرات كامنة فى مختلف مجالات الثورة الناعمة فى هذه المنطقة. وبعد الموجة الاخيرة للصحة الاسلامية ايضا، فان تأثر هذه الانتفاضات والحركات والبلدان الشرق أوسطية بطبيعة القوة الناعمة للثورة الاسلامية، قابله اتجاهات غريبة من القوة الناعمة، تقوم على نشر قيم الديمقراطية الليبرالية فى الشرق الأوسط.

الكلمات المفتاحية: الدبلوماسية الاقليمية، الاستراتيجية، الثورة الاسلامية الايرانية، القوة الناعمة، الشرق الأوسط.

١. أستاذ بجامعة طهران.

٢. طالب دكتوراه فى القانون الدولى.

٣. أستاذ مساعد بجامعة الخوارزمى.

٤. طالب دكتوراه علاقات دولية بجامعة الخوارزمى.

ghkarimi@khu.ac.ir

h.tooti@ut.ac.ir

الاهداف، الرسالة والعوامل الاستراتيجية للبيئتين الداخلية والخارجية للثورة الاسلامية

محسن باليزبان^١

الخلاصة: في اطار الادارة الاستراتيجية، فان الشرط الأساس لتدوين استراتيجية من أجل الوصول الى الظروف القائمة المنتهية الى الوضع المطلوب أو المنشود، هو امتلاك رسالة ورؤية استشرافية وقائمة بالعوامل الرئيسية أو الاستراتيجية في البيئة الداخلية (نقاط القوة والضعف) والبيئة الخارجية (الفرص والتحديات). والهدف من هذا المقال هو اعداد وكتابة رسالة واستشراف مستقبل واعداد قائمة بالعوامل الاستراتيجية للثورة الاسلامية في اطار تحليل استراتيجي (SWOT) ناتج عن الأهداف النهائية، السياسات العامة ومطالبات اصحاب المنفعة والشأن في الثورة الاسلامية.

الكلمات المفتاحية: الرسالة، الاستشراف، العوامل الاستراتيجية، الثورة الاسلامية.

الحج والامكانيات الداخلية للعالم الاسلامي في الصحوة الاسلامية

بالاستناد الى فكر الامام الخميني (رض)

محسن محمدى^٢ / غلام رضا بهروز لك^٣

الخلاصة: الامام الخميني ومن خلال نظريته السياسية والاجتماعية الى الحج، يلفت انتباه المسلمين الى امكانيات الحج في الصحوة الاسلامية. ففي ندائه بمناسبة موسم الحج يرى ان روح الصحوة الاسلامية تتجلى في النضال ضد الاستعمار والاستكبار، ويدعو المسلمين الى تذكر وظائف الحج السياسية والاجتماعية التي يجرى التغافل ودعم الصحوة الاسلامية. فمن وجهة نظر الامام الخميني (رض) يعتبر الحج فسحة للوعي والتنقيف فيما يتعلق بالاسلام وقضايا العالم الاسلامي والبراءة من المشركين، ضمن عملية بعث للهوية والانسجام بين بلدان العالم الاسلامي في مقابل الكفر والاستعمار باعتباره العدو المشترك لجميع المسلمين.

الكلمات المفتاحية: الحج، الصحوة الاسلامية، الامام الخميني، الاستعمار، الاسلام السياسي، الاحياء الديني.

mpalizban@ut.ac.ir

mohsen2941@yahoo.com

١. دكتوراه علوم سياسية - فرع الدراسات الايرانية من جامعة طهران.

٢. طالب دكتوراه الثورة الاسلامية.

٣. استاذ مساعد بجامعة باقر العلوم عالي.